

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۰، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۶

وضعیت توزیع درآمد در مناطق روستایی استان سیستان و بلوچستان طی سال‌های ۸۰-۱۳۷۶

مهدی کاظمی، غلامرضا زمانیان *

تاریخ دریافت: ۱۳۸۵/۱۱/۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۸۶/۶/۲۶

چکیده

امروزه بسیاری از دانشمندان و صاحب‌نظران علوم اجتماعی بر نقش توزیع درآمدها به مثابه عاملی مؤثر در ایجاد اختلاف سطح زندگی و شکاف‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و بروز پدیده فقر اتفاق نظر دارند. بر همین اساس، به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان توصیه شده است که نسبت به اثرات توزیعی اتخاذ راهبردهای اقتصادی و نیز چالش‌های اقتصادی-اجتماعی ناشی از سیاست‌های اقتصادی توجه و تاکید ویژه داشته باشند.

مقاله حاضر در همین راستا و به منظور بررسی و تحلیل چگونگی توزیع درآمد در مناطق روستایی استان سیستان و بلوچستان طی سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۷۶ تهیه و تنظیم شده است. در این پژوهش، توزیع درآمد با استفاده از شاخص ضریب جینی، با دو روش تفکیک‌پذیر، روی تمام داده‌ها محاسبه شده است. چنان که یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، ضریب نابرابری با روش تفکیک‌پذیر طی دوره مورد مطالعه در مناطق روستایی استان به تدریج از ۰/۳۹۴ در سال ۱۳۷۶ به ۰/۴۲۸ در سال ۱۳۸۰ افزایش یافته است. همچنین، با مقایسه ضریب جینی درون دهک‌ها مشخص شد که طی این دوره، نابرابری بین پردرآمدترین خانوارهای روستایی استان

* به ترتیب: استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان

کلیدواژه‌ها: درآمد / توزیع درآمد / مناطق روستایی / فقر / سیستان و بلوچستان (استان)

* * *

مقدمه

در اصل، فقر موضوعی صرفاً اقتصادی نیست بلکه از جمله موضوعاتی است که همواره مورد توجه فیلسوفان، مورخان، جامعه‌شناسان، و اقتصاددانان بوده است (لابن، ۱۳۵۹: ۴۷). به‌طور کلی، از اوایل قرن نوزدهم، تفاوت میان نحوه زندگی مردم مناطق مختلف جهان شناخته شده و بروز نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌ها و عواقب آنها، چه در درون جوامع و چه در میان جوامع مختلف، اندیشمندان و نظریه‌پردازان را به ارائه فرضیاتی پیرامون علل پیدایش نابرابری و فقر اقتصادی - اجتماعی واداشته است. با آغاز فرآیند «صنعتی شدن» به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم، پدیده فقر همواره به نحوی از انحا افکار جوامع بشری را به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه به خود مشغول کرده است. این جوامع، با توجه به سطح قرارگیری هر یک در مدار توسعه، به حل این معضل پرداخته و با اتخاذ راهبردهایی چون رشد اقتصادی، رشد توأم با توزیع، و... بر آن سده‌اند تا در کشور خود، شرایط زندگی مردم را بهبود بخشند؛ با این همه، در بسیاری موارد، به‌ویژه در کشورهای جهان سوم، گروه کثیری از مردم از اثرات توزیعی این راهبردها به‌دلایل گوناگون برخوردار نشدند و شکاف‌های اقتصادی و اجتماعی و نیز گسترش پدیده فقر نمایان‌تر شد.

در دهه ۱۹۸۰، وضعیت فقرا همچنان بدتر می‌شد، به گونه‌ای که بانک جهانی این دهه را «دهه فراموش شده فقرا»^(۱) نامید. در دهه ۱۹۹۰، جز تغییر راهبردهای توسعه، از راهبردهای رشد به راهبردهای فقرزدایی، چاره‌ای نبود؛ از این رو، این دهه را «دهه جنگ با فقر»^(۲) نامیدند (Johansen, 1993: 25). در کشورهای توسعه یافته، اکنون دیگر تأکید اصلی بر مسئله رشد جای خود را به «کیفیت زندگی»^(۳) داده است. در کشورهای جهان سوم نیز به طور وسیعی شنیده می‌شود که اینک دیگر افزایش محصول ناخالص ملی به مثابه هدف اصلی فعالیت‌های اقتصادی به شمار نمی‌رود (نیلی، ۱۳۷۵: ۴۸).

اهمیت موضوع فقر و اختلاف‌های درآمدی به اندازه‌ای است که مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۲۱ دسامبر ۱۹۹۳ تصمیم گرفت که سال ۱۹۹۶ را به نام «سال بین‌المللی ریشه‌کنی فقر و تنگدستی» نام‌گذاری کند. در بیانیه «رفاه عالم انسانی» در ۲۲ جون ۱۹۹۵، آمده است که پاره‌ای از فرقه‌های مذهبی بر این باورند که فقر از خصایص احترام ناپذیر و طبیعی زندگی دنیوی است و فقط در عالم بعد می‌توان از قید آن رهایی یافت. در مقابل، مسلک‌های اجتماعی متعددی چون سوسیالیسم فقر را پدیده‌ای اجتماعی و حاصل توزیع غیرعادلانه ثروت و مواهب زندگی و نتیجه مستقیم استثمار برخی از طبقات اجتماعی توسط برخی دیگر می‌دانند.

یکی از ضرورت‌های پرداختن به مسئله فقر آن است که وجود فقر چشمگیر در میان افراد جامعه و پایداری آن موجب شکل‌گیری نوعی فرهنگ فقر می‌شود که خروج از آن به مراتب دشوارتر از خروج از فقر است. همچنین، فقر موجب پدیدار شدن نابهنجاری‌های اجتماعی و فساد در جامعه می‌شود و فرهنگ فقر از نسلی به نسل دیگر تداوم می‌یابد (مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، ۱۳۷۷: ۶).

امروزه با اطمینان می‌توان گفت که آنچه اختلاف سطح زندگی را در جامعه به وجود می‌آورد و به فقر مفهوم می‌بخشد، اختلاف توزیع درآمد است. بر این اساس، دو مورد از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر عدالت اجتماعی در هر جامعه عبارت‌اند از:

۱- چند درصد از جمعیت چه درصدی از درآمدها را عاید خود می‌کنند؛

۲- شکاف درآمدی میان پایین‌ترین گروه و طبقه پردرآمد چقدر است. برای نمونه، در کشورهایی مثل دانمارک و سوئد، متوسط درآمد خانوارهای ثروتمند (۲۰ درصد دارای بالاترین درآمدها) ۵ تا ۶ برابر متوسط درآمد خانوارهای فقیر (۲۰ درصد دارای کمترین درآمدها) است؛ و برعکس، در کشورهایی مثل برزیل این نسبت در حدود ۲۰ برابر است.

از این رو، اطلاع و آگاهی برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران نسبت به اثرات توزیعی راهبردهای خود به‌ویژه در مناطق روستایی، که بخشی مهم از جوامع در حال توسعه را تشکیل می‌دهند، چه‌بسا در این زمینه نقشی مؤثر داشته باشد، چرا که تجربه توسعه به‌ویژه در این گروه از جوامع نشان می‌دهد که توسعه روستایی در دستیابی به اهداف توسعه در سطح ملی دارای نقشی مهم است، به گونه‌ای که به باور بسیاری از صاحب‌نظران، توسعه روستایی موتور محرکه توسعه در کشورهای جهان سوم به‌ویژه در مراحل اولیه توسعه است و دستیابی بدان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر به‌شمار می‌رود (جمعه‌پور، ۱۳۸۴: ۵۵-۵۶).

این مقاله نیز با هدف ارائه اطلاعاتی در این زمینه تدوین شده و به بررسی وضعیت توزیع درآمد در مناطق روستایی استان سیستان و بلوچستان پرداخته است؛ با این امید که در راستای توجه به فقرا، رفع تبعیض و نابرابری، و تحقق آرمان عدالت اجتماعی تأثیرگذار باشد.

طرح مسئله

در کشور ما، که از دهه ۱۳۵۰ به‌نوعی راهبردهای توسعه را تجربه کرده بود، به‌ویژه با اتخاذ راهبرد رشد و برنامه‌های سیاست تعدیل، همانند سایر کشورهای در حال توسعه، معضل فقر و شکاف‌های اقتصادی-اجتماعی بیشتر نمایان شد. پر واضح است، چنین معضلاتی به‌ویژه در استان‌های محروم که مشکلات ساختاری و موروثی خاص خود را دارند، نمایان‌تر است و همین موضوع نه‌تنها بروز مشکلات روزافزون و پیچیده‌تر برای

طبق بررسی‌های مرکز آمار ایران در سال ۱۳۷۰، درآمد پردرآمدترین دهک گروه‌های جمعیتی کشور ۷۲/۳ برابر کم‌درآمدترین دهک درآمدی بوده و این رقم، با توجه به نرخ بسیار بالای تورم تا سال‌های اخیر، احتمالاً بیشتر نیز شده است (رشیدی، ۱۳۷۵: ۱۳۵).

قراین و شواهد موجود نشان می‌دهد که اختلاف‌ها در سطح جامعه صرفاً به درآمد افشار و گروه‌های مختلف محدود نمی‌شود بلکه دامنه آن به بروز شکاف‌هایی در امکانات اجتماعی نیز کشیده شده است؛ و در واقع، وجود این‌گونه شکاف‌ها به معنی فاصله گرفتن از اهداف عالی نظام جمهوری اسلامی ایران و یقیناً مغایر با خواست دولتمردان به‌ویژه در استان‌های محروم کشور از جمله سیستان و بلوچستان است.

بر این اساس و با توجه به بررسی اجمالی شرایط موجود، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که توزیع درآمدها و امکانات اجتماعی و، به عبارت دیگر، وضعیت شکاف اقتصادی-اجتماعی در مناطق روستایی استان سیستان و بلوچستان به عنوان یکی از استان‌های محروم و مورد توجه دولت چگونه است؟

اهداف تحقیق

هدف کلی تحقیق حاضر تبیین وضعیت توزیع درآمد و بررسی تغییرات آن در مناطق روستایی استان سیستان و بلوچستان طی سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۷۶ است. همچنین، اهداف ویژه این تحقیق عبارت‌اند از:

الف- تعیین ضریب جینی تفکیک‌پذیر و اعمال‌شده بر داده‌های خام و روند تغییرات آن در مناطق روستایی استان طی دوره مورد مطالعه؛

ب- تعیین روند توزیع درآمد در گروه‌های عمده هزینه‌ای و روند تغییرات آن در مناطق روستایی استان طی دوره مورد مطالعه؛

- ج- تعیین روند سهم دهک‌های مختلف از کل هزینه مناطق روستایی استان طی دوره مورد مطالعه؛ و
- د- تعیین میزان نابرابری در درون دهک‌های درآمدی مختلف و تغییرات آن در جامعه روستایی استان طی دوره مورد مطالعه.

مبانی نظری و پیشینه موضوع

چنان‌که متداول است، مقولات «فقر» و «توزیع درآمد» در کنار یکدیگر طرح می‌شوند. بی‌شک، این مباحث با یکدیگر ارتباط دارند اما نه بدین صورت که رابطه‌ای قطعی و مشخص بین آنها وجود داشته باشد، به گونه‌ای که توزیع نامناسب درآمد به معنی فقر نیست و عکس آن نیز الزاماً صدق نمی‌کند، یعنی توزیع مناسب درآمد فقدان فقر را نوید نمی‌دهد (پژویان، ۱۳۷۵: ۶).

مطالعات پیرامون موضوع فقر نسبت به توزیع درآمد سابقه‌ای طولانی‌تر دارد. آغاز پژوهش‌های علمی در باره فقر در دنیای غرب به تحقیقات بوت^(۴) و راونتري^(۵) در اواخر قرن ۱۹ بازمی‌گردد. اگرچه پیش از آن، در بریتانیا، برآوردی از تعداد فقرا به عمل آمده و ادن^(۶) در سال ۱۷۹۷ در کتاب خود اطلاعات زیادی در باره وضع بودجه خانوار در ۱۰۰ حوزه کلیسایی ارائه داده بود، و پیش‌تر نیز انگلس^(۷) و میهو^(۸) اطلاعاتی سودمند در مورد وضعیت فقرا در مناطق شهری انگلستان تهیه کرده بودند، اما بوت با مطالعه میدانی در لندن جهت اندازه‌گیری میزان فقر در دهه ۱۸۸۰، برای نخستین بار، نتایج تحقیقات خود را بین سال‌های ۱۸۹۲ و ۱۸۹۷ منتشر کرد (خرمی، ۱۳۷۵: ۵۲). در ایران، نخست در اواسط دهه ۱۳۲۰، در پی تأسیس وزارت کار، مطالعاتی در زمینه فقر صورت گرفت و در سال‌های بعد تداوم یافت. این مطالعات غالباً در باره تعیین سطح حداقل دستمزد و سبد مصرف خانوار بوده است.

اما همان‌گونه که اشاره شد، مسئله توزیع درآمد از جمله موضوعاتی است که نسبتاً دیر وارد مباحث توسعه اقتصادی پس از جنگ شده است (فیثلو^(۹)، ۱۹۹۵: ۲۵). ارائه

در ۱۹۶۰، این فرضیه که نابرابری در کشورهای کمتر توسعه یافته بارزتر است، مجدداً از سوی ایروینگ کراویس^(۱۱) مطرح شد. او همبستگی مثبت و پیچیده‌ای را بین درجه نابرابری و سطح درآمد واقعی سرانه مشاهده کرد. او نیز مانند کوزنتس بدین نتیجه رسید که در کشورهای توسعه نیافته نسبت به کشورهای صنعتی پراکندگی درآمد در بخش زیرین جدول توزیع کمتر و در بخش فوقانی آن بیشتر است. بنابراین، باید علت وجود نابرابری بیشتر در کشورهای توسعه نیافته در همین بخش فوقانی جدول توزیع جستجو شود. طبق نظر کراویس، اختلاف بین‌المللی در درجات نابرابری را می‌توان به عواملی مانند بخشی از خصوصیات ویژه و متفاوت مردم که بر عملکرد آنها در عرصه اقتصادی مؤثر است، موانع عرفی و قانونی تحرک اجتماعی، عوامل ساختاری که منشأ کارهایی با درآمد نابرابر و بسیار تبعیض‌آمیز است، و نیز به سازمان‌دهی سیاسی-اجتماعی نسبت داد (Champernowne, 1974:790). بعدها هاری اوشیما^(۱۲) این واقعیت را مورد تأکید قرار داد که نابرابری در کشورهای کمتر توسعه یافته لزوماً چشمگیرتر نیست و همه چیز منوط به مرحله توسعه اقتصادی آنهاست؛ یعنی بدان بستگی دارد که آن کشورها توسعه نیافته، کمتر توسعه یافته، نیمه توسعه یافته و یا کاملاً توسعه یافته باشند.

در ۱۹۷۴، این موضوع در بانک جهانی بر اساس داده‌های ۶۶ کشور- که بر حسب درجه نابرابری درآمد و درآمد سرانه طبقه‌بندی شده بودند- مورد آزمون قرار گرفت. بررسی مونتک اهلوالیا^(۱۳) این نظر را تأیید می‌کند که نابرابری نسبی در اغلب کشورهای توسعه نیافته به گونه‌ای چشمگیر بیش از کشورهای توسعه یافته است. اما

در رابطه با محاسبه ضریب جینی در اقتصاد ایران نیز مطالعات فراوانی در سطوح ملی و استانی، و برای مناطق شهری و روستایی صورت گرفته است که می‌توان به تحقیقات زیر اشاره کرد:

بختیاری و همکاران (۱۳۸۳) در مقاله‌ای به مطالعه وضعیت توزیع درآمد در استان اصفهان طی سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۷۲ پرداختند. در این مطالعه، با استفاده از معیار ضریب جینی و شاخص بی‌نظمی تایل^(۱۶)، سیاست‌های تعدیل اقتصادی و اثر آن بر این شاخص‌ها مورد بررسی قرار گرفته و نتیجه‌گیری شده است که انواع هزینه‌های مصرفی طی دوره مورد مطالعه افزایش یافته است. این محققان وجود شرایط تورمی ناشی از سیاست‌های اجرایی را یکی از عوامل اصلی این موضوع دانسته و مدعی شده‌اند که شرایط تورمی موجب شکاف طبقاتی شده است. همچنین، از آنجا که میزان و میدان اثر شرایط تورمی در مناطق شهری استان اصفهان گسترده‌تر بوده، افزایش هزینه‌ها در این مناطق عوارض بیشتری به همراه داشته است. در نهایت، آنها نتیجه می‌گیرند که با وجود نظام حمایتی حاکم، با آنکه هزینه‌های خوراکی به شکل نسبتاً متوازنی توزیع شده اما توزیع هزینه‌های غیرخوراکی بادوام کاملاً نامتوازن است. صمدی (۱۳۸۱: ۳۳-۵۲) طی مقاله‌ای به شناسایی مهم‌ترین منابع افزایش نابرابری توزیع درآمد در مناطق شهری و روستایی ایران پرداخته و از معیار ضریب جینی از طریق عوامل درآمدی پیشنهادی یائو^(۱۷) و اطلاعات مربوط به سال‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ از مناطق شهری و روستایی استفاده کرده و نتیجه گرفته است که نابرابری توزیع درآمد در سال‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ بهبود پیدا کرده ولی دلایل آن در مناطق شهری و روستایی متفاوت بوده است. همچنین، عوامل افزایشدهنده و کاهشدهنده در مناطق شهری و روستایی یکسان و متأثر از زمان نبوده است. در پایان، محقق پیشنهاد کرده است که در سیاست‌های فقرزدایی، به عوامل کاهشدهنده میزان نابرابری به تفکیک مناطق شهری و روستایی توجه ویژه شود.

همایی ابیانه (۱۳۷۶: ۸۳-۱۱۲) بر اساس شاخص ضریب جینی، به بررسی وضعیت درآمد در استان تهران طی سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۳ پرداخته و نتیجه گرفته است که توزیع درآمد بر اساس این معیار در مناطق شهری استان تهران بهبود یافته و از توزیع درآمد در کل کشور به طور نسبی بهتر است؛ طبقه متوسط جامعه (۴۰ درصد میانی

تجیری (۱۳۷۶: ۲۰-۴۵)، با استفاده از روش درونی یا عمومی (بر اساس توابع چگالی خطی و درجه دوم و توابع توزیع چندجمله‌ای درجه سوم و چهارم)، درونیابی خطی، روش اچ ورث، روش مورد استفاده مرکز آمار ایران و روش کاکوانی، به محاسبه ضریب جینی کل و تجزیه آن به برابری درون‌گروهی و بین‌گروهی به تفکیک کل جامعه، جامعه شهری و جامعه روستایی طی سال‌های ۷۴-۱۳۴۷ پرداخته و نتایج متفاوتی را به دست آورده است.

مراحل انجام تحقیق و ابزار گردآوری داده‌ها

به منظور بررسی چگونگی توزیع درآمد در مناطق روستایی سیستان و بلوچستان در مقطع زمانی ۸۰-۱۳۷۶، محققان پس از مروری بر ادبیات و پیشینه موضوع تحقیق و تنظیم چارچوب نظری مناسب، به گردآوری داده‌های لازم اقدام کردند. داده‌های آماری تحقیق از پرسشنامه‌های استاندارد (هزینه خانوار) برگرفته شده است که همه ساله از سوی مرکز آمار ایران در سطح کشور توزیع و تکمیل می‌شود. پس از گردآوری داده‌های مورد نیاز، با استفاده از روش‌ها و مدل‌های اقتصادی و آماری که در ادامه معرفی می‌شوند، داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

روش تحقیق

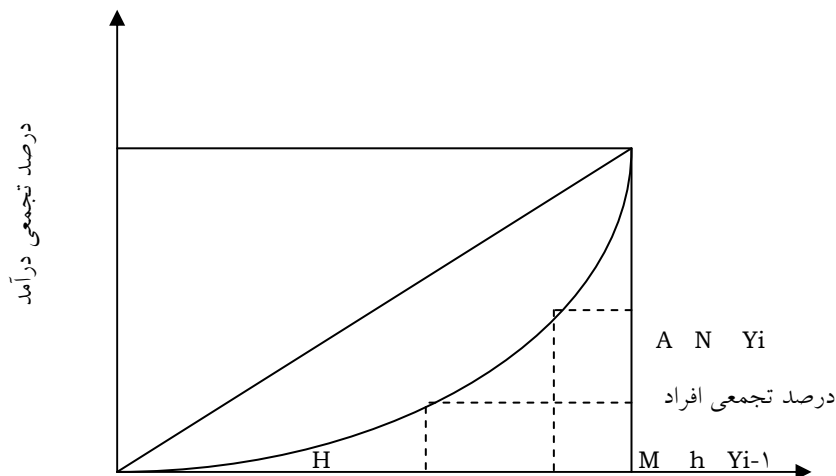
از آنجا که در این پژوهش متغیرهای مورد مطالعه دستکاری نشده و دخل و تصرفی در آنها صورت نگرفته و صرفاً به توصیف و تحلیل وضعیت موجود پرداخته شده است، روش این تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی^(۱۸) است.

شاخص‌ها و مدل‌ها

شاخص‌های توزیع درآمد متعدد و متنوع‌اند. هر یک از این شاخص‌ها برای هدفی طراحی شده‌اند و ممکن است نسبت به تأمین اهداف دیگر نارسا و ناکافی باشند. در این میان، شاخص‌های سازگار با منحنی لورنز مانند سهم دهک‌های درآمدی، نسبت سهم دهک‌های بالا به دهک‌های پایین، حداکثر شکاف درآمدی، و ضریب جینی متداول‌ترند (Kakwani, 1985).

شاخص ضریب جینی، که روش مورد استفاده برای بررسی نابرابری درآمد بین خانوارهاست، از منحنی لورنز^(۱۹) استخراج می‌شود و در نمودار ۱ نشان داده شده است. مقدار این ضریب بر اساس سطح بین خط ۴۵ درجه و منحنی لورنز تعیین می‌شود، هر چه منحنی لورنز از این خط دورتر باشد، بیانگر نابرابری بیشتر است. ضریب جینی در زمینه اندازه‌گیری توزیع درآمد یکی از رایج‌ترین معیارهاست که در این پژوهش نیز برای بررسی وضعیت نابرابری درآمد بین خانوارها مورد استفاده قرار گرفته است.

همان‌طور که در این نمودار مشاهده می‌شود، H بیانگر سطح منحنی لورنز و A فضای بین منحنی و خط قطر است؛ بدین ترتیب، $A=0.5-H$. فضای H را می‌توان به صورت تقریبی به ذوزنقه‌هایی تقسیم کرد که یکی از آنها MNP_i است. ارتفاع این ذوزنقه تفاوت بین P_i و P_{i-1} است، به طوری که P_i درصد تجمعی افراد طبقه i است و در واقع، این تفاضل با فراوانی نسبی افراد طبقه i (f_i) برابر است. قاعده کوچک آن Y_{i-1} (درصد تجمعی درآمد تا طبقه $i-1$) و Y_i قاعده بزرگ آن (درصد تجمعی درآمد تا طبقه i) است. مساحت این ذوزنقه برابر است با نصف حاصل ضرب مجموع قاعده در ارتفاع،



نمودار ۱- منحنی لورنز و ضریب جینی (Lambert and Arenson, 1993:1227)

یعنی $S_i = f_i(Y_{i-1} + Y_i)/2$ ؛ به همین ترتیب، سطح زیر منحنی لورنز به صورت زیر محاسبه می شود:

$$H = \sum_{i=1}^t H_i = \sum_{i=1}^t f_i(Y_{i-1} + Y_i)/2$$

در رابطه اخیر، t عبارت است از تعداد گروه های درآمدی، و مساحت ناحیه A به صورت زیر تعیین می شود:

$$A = \left[1 - \sum_{i=1}^t f_i(Y_{i-1} + Y_i) \right] / 2$$

طبق تعریف، ضریب جینی عبارت است از نسبت مساحت ناحیه A به ناحیه $A+H$ ، یعنی:

$$G = \frac{A}{A + H}$$

با جایگذاری تعداد A و H در این فرمول مشخص می شود که ضریب جینی برابر است با $G = 2A$ ؛ و به عبارت دیگر:

$$G = 1 - \sum_{i=1}^t f_i(Y_{i-1} - Y_i)$$

دامنه تغییرات G بین صفر و یک است که در هنگام برابری کامل $G=0$ و در هنگام نابرابری کامل $G=1$ است (Lambert and Arensen, 1993:1225). در این مقاله، به منظور ارزیابی توزیع درآمد، از ضریب جینی استفاده شده که این ضریب به دو روش زیر قابل محاسبه است:

الف- ضریب جینی اعمال شده روی تمامی مشاهدات

در این روش، درآمد دو به دوی افراد با یکدیگر مقایسه می‌شود و ضریب جینی

$$G = \frac{2}{n^2 \bar{y}} \sum_{i=1}^n \sum_{j=1}^n |y_i - y_j| \quad \text{براساس فرمول:}$$

$$G = 1 + \frac{1}{n} - \frac{2}{n^2 \bar{y}} (y_1 + 2y_2 + \dots + ny_n) \quad \text{یا به صورت دیگر:}$$

قابل محاسبه است؛ که در آن، y_1 درآمد ثروتمندترین شخص و y_n درآمد ثروتمندترین شخص بعد و ... است که برای تمام مشاهدات محاسبه می‌شود (لیارد و والترز، ۱۳۷۷: ۵۹).

ب- ضریب جینی به روش تفکیک پدیر

در این روش، کل جامعه آماری مورد بررسی را به ده دهک درآمدی تقسیم می‌کنیم، به ترتیبی که در هر دهک درآمدی معادل ۱۰ درصد از جمعیت قرار گیرد. ضریب جینی درون هر دهک (GW_i) را به طور جداگانه به دست می‌آوریم و سپس، ضریب جینی بین دهک‌ها GB را محاسبه می‌کنیم و با استفاده از ترکیب وزنی جمعیت و درآمد W_i ، ضریب جینی کل به صورت زیر محاسبه می‌شود^(۲۰):

$$G = GB + \sum_{i=1}^n W_i GW_i$$

که در این فرمول، GB ضریب جینی بین گروه‌ها (یا دهک‌های درآمدی) و GW_i ضریب جینی درون گروهی و W_i ترکیبی از وزن درآمدی و جمعیتی است (خداداد کاشی، ۱۳۷۷: ۶۴).

در پژوهش حاضر، شاخص جینی با هر دو روش فوق محاسبه شده است. همچنین، محاسبات با هر دو روش روی داده‌های خام صورت گرفته است.

جامعه و نمونه آماری

در این تحقیق، جامعه مورد نظر خانوارهای روستایی استان سیستان و بلوچستان طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ را شامل می‌شود. ترکیب نمونه نیز به شرح جدول ۱ است. البته همان‌طور که قبلاً اشاره شد، داده‌های این پژوهش از منابع اطلاعاتی مرکز آمار ایران برگرفته شده است؛ و محققان در نمونه‌گیری یا گزینش نمونه‌ها دخالت و دخل و تصرفی نداشته و تحلیل‌ها با استناد به نمونه‌گیری آن مرکز صورت گرفته‌اند.

جدول ۱- نمونه‌های تحقیق

سال	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶
حجم نمونه	۳۲۰	۳۲۰	۳۲۰	۱۴۰	۱۸۰

ماخذ: مرکز آمار ایران (سال‌های ۸۰-۱۳۷۶)

تجزیه و تحلیل داده‌های آماری

پس از بحث نظری پیرامون پدیده توزیع درآمد، اینک گزارش تفصیلی از وضعیت توزیع درآمد و شکاف‌های موجود بین طبقات مختلف درآمدی، در مناطق روستایی استان سیستان و بلوچستان بر اساس اهداف پژوهش ارائه می‌شود.

توزیع درآمد در مناطق روستایی استان

در جدول ۲، نابرابری در جوامع روستایی استان طی سال‌های ۸۰-۱۳۷۶ بر اساس دو شیوه محاسباتی ضریب جینی نشان داده شده است. نکته قابل توجه این است که ضرایب محاسبه‌شده در طول این دوره، با اختلاف کمی در دو روش، همواره بالاتر از

همچنین، جدول ۲ نشان می‌دهد که این تغییرات ضریب جینی در دوره مورد مطالعه با روش ضریب اعمال شده بر داده‌های خام نیز تأیید شده است.

جدول ۲- ضریب جینی تفکیک‌پذیر و اعمال شده بر داده‌های خام در مناطق روستایی استان سیستان و بلوچستان (۸۰-۱۳۷۶)

شاخص	سال	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶
ضریب جینی تفکیک‌پذیر	۰/۴۲۸۲	۰/۳۸۵۵	۰/۴۵۹۰	۰/۳۸۳۷	۰/۳۹۴۶	
ضریب جینی اعمال شده بر داده‌های خام	۰/۴۲۷۴	۰/۳۸۶۰	۰/۴۵۲۵	۰/۳۸۱۳	۰/۳۹۲۳	

مأخذ: محاسبات گروه تحقیق

بررسی روند توزیع درآمد در گروه‌های عمده هزینه‌ای در مناطق روستایی استان با معلوم بودن تعداد خانوار موجود در هر گروه هزینه‌ای و متوسط خالص خوراکی و غیرخوراکی هر گروه، می‌توان اطلاعات را دهک‌بندی کرد؛ یعنی، جمع خانوارهای نمونه را تقسیم بر ده کنیم تا سهم هر دهک از خانوارها معلوم شود و سپس، مشخص می‌شود که تعداد خانوارهای چند گروه یک دهک را تشکیل می‌دهند. در مرحله بعد، هزینه کل هر دهک از ضرب تعداد خانوار هر گروه در متوسط هزینه خالص آن و جمع آنها تا دستیابی به تعداد خانوار هر دهک محاسبه می‌شود.

در جدول ۳، سهم ۴۰٪ خانوارهای کم درآمد، ۴۰٪ خانوارهای دارای درآمد متوسط، و ۲۰٪ خانوارهای دارای بیشترین درآمدها از کل هزینه‌ها نشان داده شده است.

جدول ۳- روند سهم گروه‌های عمده هزینه‌ای در مناطق روستایی

استان سیستان و بلوچستان (۸۰-۱۳۷۶)

شاخص سال	سهم گروه‌های عمده هزینه‌ای در استان سیستان و بلوچستان (درصد)		
	۲۰٪ خانوارهای پر درآمد	۴۰٪ خانوارهای دارای درآمد متوسط	۴۰٪ خانوارهای کم درآمد
۱۳۷۶	۴۵	۳۹	۱۶
۱۳۷۷	۴۴/۴	۳۸/۸	۱۶/۸
۱۳۷۸	۵۱/۳	۳۳/۹	۱۴/۸
۱۳۷۹	۴۵/۶	۳۷/۵	۱۶/۹
۱۳۸۰	۴۸/۸	۳۶/۳	۱۴/۹

مأخذ: محاسبات گروه تحقیق

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰، رفته رفته از سهم هزینه‌ای ۴۰٪ خانوارهای کم درآمد و میانی جامعه کاسته شده و به سهم ۲۰٪ خانوارهای پر درآمد افزوده شده است؛ البته طی این دوره، بیشترین کاهش مربوط به سهم ۴۰٪ کم درآمدترین خانوارهاست، به گونه‌ای که سهم این گروه از ۱۶ درصد در ۱۳۷۶ به ۱۴/۹ درصد در ۱۳۸۰ کاهش یافته است. همچنین، در همین دوره، با روندی تقریباً مشابه، سهم ۴۰٪ خانوارهای دارای درآمد متوسط از ۳۹٪ در سال آغازین دوره، به ۳۶/۳٪ در سال پایانی کاهش نشان می‌دهد. این در حالی است که طی همین دوره، سهم ۲۰٪ پر درآمدترین خانوارها از ۴۵٪ در ۱۳۷۶ به ۴۸/۸٪ در ۱۳۸۰ افزایش یافته است.

روند شاخص فاصله طبقاتی و سهم دهک‌های هزینه‌ای مناطق روستایی استان

از آنجا که سهم دهک‌های هزینه‌ای، وضعیت توزیع درآمد در جامعه را با وضوح بیشتری نشان می‌دهد، سهم هر یک از گروه‌های ده‌گانه طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ محاسبه و در جدول ۴ ارائه شده است

جدول ۴ - سهم دهک‌های مختلف از کل هزینه‌های مناطق روستایی استان سیستان و بلوچستان (۸۰-۱۳۷۶)

۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶	نسبت ده درصد پردرآمدترین به ده درصد کم‌درآمدترین (فاصله طبقاتی)
۱۶/۵۲	۱۲/۶۵	۱۷/۸	۱۳/۱	۱۳/۳	سهم دهک اول (کم‌درآمدترین)
۱/۹	۲/۳	۲	۲/۱	۲/۱	سهم دهک دوم
۳/۴	۳/۹	۳/۳	۳/۵	۳/۵	سهم دهک سوم
۴/۳	۴/۸	۴/۳	۴/۹	۴/۵	سهم دهک چهارم
۵/۳	۵/۹	۵/۲	۵/۸	۵/۹	سهم دهک پنجم
۶/۷	۷/۲	۶	۷/۱	۷/۳	سهم دهک ششم
۷/۶	۸/۲	۷	۸/۳	۸/۵	سهم دهک هفتم
۹/۸	۱۰/۲	۹/۳	۱۰/۹	۱۰/۴	سهم دهک هشتم
۱۲/۲	۱۱/۹	۱۱/۶	۱۲/۵	۱۲/۸	سهم دهک نهم
۱۷/۴	۱۶/۴	۱۵/۷	۱۶/۷	۱۷/۱	سهم دهک دهم (پردرآمدترین)
۳۱/۴	۲۹/۱	۳۵/۶	۲۷/۷	۲۸/۱	

مأخذ: محاسبات گروه تحقیق

ردیف اول جدول ۴ فاصله طبقاتی بین کم‌درآمدترین و پردرآمدترین اقشار جامعه روستایی را نشان می‌دهد. همان‌طور که در جدول آمده است، در ۱۳۷۶، ده درصد خانوارهای پردرآمد روستایی استان ۱۳/۳ برابر ده درصد خانوارهای کم‌درآمد مصرف داشته‌اند و این رقم طی یک روند صعودی به ۱۶/۵۲ برابر در پایان دوره رسیده است، که بیانگر گسترش فاصله طبقاتی طی دوره مورد مطالعه است.

سه‌م دهک‌های مختلف نیز نشان می‌دهد در حالی که طی سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۷۶، روند سه‌م دهک اول تا نهم از کل هزینه با اندکی کاهش همراه بوده اما سه‌م دهک دهم استان در مناطق روستایی روندی صعودی داشته است، به گونه‌ای که روند سه‌م این دهک از ۲۸/۱ درصد در ۱۳۷۶ به ۳۱/۴ درصد در ۱۳۸۰ افزایش یافته است.

بررسی توزیع درآمد بین دهک‌ها و درون دهک‌ها

چنانچه ضریب جینی به صورت غیرتفکیکی محاسبه شود، عددی به دست خواهد آمد که بر اندازه نابرابری در جامعه دلالت دارد، ولی راجع به اینکه آیا نابرابری در طبقات درآمدی بالا بیشتر است یا در طبقات درآمدی پایین، پاسخی ارائه نمی‌دهد. به منظور کسب اطلاعات جزئی‌تر نسبت به نحوه توزیع درآمد، بهتر است ضریب جینی تفکیکی محاسبه شود. برای این کار، اطلاعاتی در باره نابرابری در درون دهک‌های درآمدی مختلف لازم است.

نابرابری درون خانوارهای دهک اول و دهم

در جدول ۵، ضریب جینی توزیع درآمد بین خانوارهای کم‌درآمد و پردرآمد به تفکیک برای سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۷۶ آمده است.

جدول ۵ - ضریب جینی بین دهک اول و دهک دهم خانوارهای روستایی استان

سیستان و بلوچستان (۸۰-۱۳۷۶)

سال	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶
شاخص					
ضریب جینی دهک اول	۰/۲۲۲	۰/۱۹۲	۰/۱۵۸	۰/۲۶	۰/۱۵۷
ضریب جینی دهک دهم	۰/۲۱	۰/۱۴۲	۰/۳۴۱	۰/۱۴۶	۰/۱۲۹

مأخذ: محاسبات گروه تحقیق

همچنان که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، طی سال‌های مورد بررسی، نابرابری بین خانوارهای کم‌درآمد روستایی به تدریج افزایش یافته است، به طوری که ضریب جینی

مقایسه ضریب جینی بین هر یک از دو دهک مندرج در جدول ۵ طی سال‌های ۸۰-۷۶، حاکی از آن است که با وجود نوساناتی در توزیع درآمد طی این دوره، در سال پایانی نسبت به سال آغازین دوره نابرابری بین خانوارهای دو گروه افزایش یافته است.

نابرابری درون سایر دهک‌های درآمدی

در بخش قبل، نابرابری بین خانوارهای دهک‌های اول و دهم درآمدی به‌طور جداگانه محاسبه و بررسی شد، از آنجا که نابرابری کل نه تنها از نابرابری خانوارهای دهک اول و دهم بلکه از نابرابری درون سایر دهک‌ها نیز تأثیر می‌پذیرد، می‌توان با مقایسه ضریب جینی دهک‌های اول و دهم با ضریب جینی سایر دهک‌های درآمدی و نیز مقایسه نابرابری در دهک‌های اول و دهم با سایر دهک‌ها اطلاعاتی جزئی‌تر را نشان داد. نتایج این مقایسه در جدول ۶ آمده است.

جدول ۶- ضریب جینی در درون دهک‌های درآمدی مختلف جامعه روستایی استان

(۸۰-۱۳۷۶)

سال	D _۱	D _۲	D _۳	D _۴	D _۵	D _۶	D _۷	D _۸	D _۹	D _{۱۰}
۱۳۷۶	۰/۱۵۷	۰/۰۵۳	۰/۰۴۹	۰/۰۳۳	۰/۰۲۵	۰/۰۳۳	۰/۰۲۹	۰/۰۴۴	۰/۰۵۱	۰/۱۲۹
۱۳۷۷	۰/۲۶	۰/۰۴۹	۰/۰۳	۰/۰۲۱	۰/۰۳۱۹	۰/۰۳۳	۰/۰۹۸	۰/۰۱۴	۰/۰۱۵	۰/۱۴۴
۱۳۷۸	۰/۱۵۸	۰/۰۵۱	۰/۰۴	۰/۰۲۸	۰/۰۲۷	۰/۰۳۵	۰/۰۳۲	۰/۰۴۶	۰/۰۵۳	۰/۳۴۱
۱۳۷۹	۰/۹۲	۰/۰۵۹	۰/۰۲۸۴	۰/۰۳۴	۰/۰۲۸	۰/۰۲۵	۰/۰۳۳	۰/۰۳۴	۰/۰۷۲	۰/۱۴۲
۱۳۸۰	۰/۲۲۲	۰/۰۵۶	۰/۰۲	۰/۰۲۸	۰/۰۳۲	۰/۰۲۴	۰/۰۴۳	۰/۰۴۹	۰/۰۵۸	۰/۲۱

ماخذ: محاسبات گروه تحقیق

همچنان که در جدول ۶ ملاحظه می‌شود، ضریب جینی دهک‌های درآمدی دوم تا نهم طی سال‌های مورد مطالعه همواره کوچک‌تر از ۰/۰۹ است، درحالی که ضریب

در واقع، دهک اول خانوارهایی را در بر می‌گیرد که حد بالایی مخارج (درآمد) آنها مشخص ولی حد پایینی آن باز است، در حالی که برای دهک دهم حد پایینی درآمد خانوارها معین و حد بالایی آن باز است. سایر دهک‌های درآمدی خانوارهایی را در بر می‌گیرند که مخارج آنها بسیار نزدیک به هم و حد بالایی و پایینی آنها معین است و به همین لحاظ، ضریب جینی دهک‌های درآمدی دوم تا نهم بسیار کوچک‌تر از میزان آن در دهک‌های اول و دوم است.

بررسی نابرابری بین دهک‌های درآمدی مختلف

چنان که قبلاً اشاره شد، ضریب جینی کل را نمی‌توان به صورت تفکیک‌پذیر محاسبه کرد؛ برای این کار لازم است که ابتدا خانوارها در گروه‌های مختلف مثلاً ده دهک درآمدی تفکیک شوند، آنگاه ضریب جینی در درون هر دهک و سپس بین دهک‌های مختلف محاسبه شود تا در نهایت، به ضریب جینی کل دست یافت.

در قسمت‌های پیشین مقاله، ضریب جینی به صورت‌های تفکیک‌شده و کلی محاسبه و گزارش شد. همچنین، سنجش نابرابری بین خانوارهای دهک‌های اول تا دهم با محاسبه D_1 تا D_{10} برای مناطق روستایی صورت گرفت. در ادامه، نابرابری بین ده دهک درآمدی محاسبه شده در جدول ۷، اطلاعات مربوط به ضریب جینی بین این دهک‌ها در فاصله سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ آمده است.

جدول ۷- مقایسه ضریب جینی بین دهک‌های درآمدی خانوارهای روستایی استان (۱۳۷۶-۸۰)

سال	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰
شاخص	۰/۳۸۶۱	۰/۳۷۴۴	۰/۴۴۹۰	۰/۳۷۸۲	۰/۴۱۷۳
ضریب جینی بین دهک‌ها					

مأخذ: محاسبات گروه تحقیقی

همان طور که در جدول ۷ مشاهده می‌شود، ضریب جینی بین ده دهک درآمدی از ۰/۳۸۶ در ۱۳۷۶ به ۰/۴۱۷۳ در ۱۳۸۰ رسیده است، در حالی که اطلاعات مندرج در جدول ۲ حاکی از آن است که ضریب جینی کل (بر اساس روش تفکیک‌پذیر) برای ۱۳۸۰ در مناطق روستایی معادل ۰/۴۲۸۲ است. بر این اساس، ملاحظه می‌شود که از کل نابرابری بین خانوارهای روستایی در ۱۳۸۰ (۰/۴۲۸۲)، معادل ۰/۴۱۷۳ آن مربوط به نابرابری بین ده دهک درآمدی و حدود ۰/۰۱۲ آن مربوط به نابرابری در درون دهک‌هاست.

نتیجه‌گیری

اگر چه می‌توان با استناد به یافته‌های به‌دست آمده و تحلیل‌ها و تفسیرهای ارائه‌شده در این تحقیق، به نتایج متعددی رسید، اما مهم‌ترین نتایج مبتنی بر اهداف پژوهش حاضر عبارت‌اند از:

- بر اساس معیار ضریب جینی تفکیک‌پذیر، نابرابری در مناطق روستایی استان سیستان و بلوچستان طی سال‌های ۸۰-۱۳۷۶ افزایش یافته است. ضریب جینی اعمال شده بر تمام داده‌ها این روند را تأیید می‌کند؛ ضمن اینکه بیشترین میزان نابرابری مربوط به ۱۳۷۸ است (جدول ۲)؛
- طی همین دوره، بر سهم ۲۰٪ خانوارهای پردرآمد جامعه مورد مطالعه افزوده شده و از سهم ۴۰٪ خانوارهای کم‌درآمد و دارای درآمدهای متوسط کاسته شده است. وضعیت اخیر حاکی از تشدید توزیع نامناسب درآمد طی سال‌های مورد بررسی است و در مجموع، روند تغییرات توزیع درآمد در طول این دوره به‌نفع دهک‌های پردرآمد بوده است (جدول ۳)؛ و این نکته جالب توجه است که گروه غالب و عمده هزینه‌ای در تمامی سال‌های یادشده ۲۰٪ پردرآمدترین خانوارها بوده‌اند، به‌گونه‌ای که ۸۵ درصد هزینه را ۶۰ درصد دارندگان درآمدهای متوسط به بالا انجام داده‌اند؛

- مقایسه دهک‌های درآمدی بیانگر این موضوع است که طی دوره مورد مطالعه، سهم دهک‌های اول و دوم تحلیل رفته و در مقابل، سهم دهک‌های نهم و دهم از کل هزینه‌ها به شدت افزایش یافته است، که همین مسئله به تشدید فاصله طبقاتی در آن مناطق انجامیده است (جدول ۴)؛

- روند تغییرات ضریب جینی دهک‌های اول و دهم طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ حکایت از آن دارد که نابرابری بین خانوارهای واقع در هریک از این دو دهک با گذشت زمان به تدریج کمتر شده است (جدول ۵)؛

- بررسی و مقایسه ضریب جینی درون دهک‌های درآمدی نشان می‌دهد که نابرابری بین خانوارها در دهک‌های اول و دهم نسبت به سایر دهک‌ها شدیدتر است (جدول ۶)؛

- یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که بخش عمده نابرابری بین دهک‌های درآمدی خانوارهای روستایی استان مربوط به نابرابری بین دهک‌هاست و باقی‌مانده آن از نابرابری در درون دهک‌ها ناشی می‌شود، چرا که هر یک از دهک‌های درآمدی در یک فاصله بسته و محدود از مخارج قرار دارند (بجز دهک‌های اول و دهم)؛ از این‌رو، پراکندگی مخارج در درون دهک‌ها ناچیز است و از نابرابری کل و ضریب جینی کل اندکی تأثیر می‌پذیرد (جدول ۷).

یادداشت‌ها

1. Lost Decade for the Poor
2. The Fight Against Poverty
3. quality of life
4. Boot
5. Rawentry
6. Eden
7. Engels
8. Mayho
9. Fishlow

10. Kuznets
11. Irving Kravis
12. Harry Oshima
13. Montek Ahlowalia
14. Gostav Papanek
15. William Cline
16. Theil index
17. Yao
18. descriptive-analytic
19. Lorenze curve

۲۰- با توجه به اینکه کسب اطلاعات در زمینه میزان درآمد افراد مشکل و اطلاعات به دست آمده چندان قابل اعتماد نیست، بسیاری از صاحب نظران اطلاعات مربوط به توزیع هزینه های مصرفی را جانشین مناسبی برای توزیع درآمد می دانند. به همین دلیل در این گزارش مانند اکثر مطالعاتی که در داخل یا خارج کشور به این موضوع پرداخته اند، هزینه های خانوار مبنای محاسبات قرار گرفته است.

منابع

- بختیاری، صادق و همکاران (۱۳۸۰)، «تحلیلی از وضعیت توزیع درآمد در استان اصفهان». *برنامه و بودجه*. شماره ۶۹ و ۷۰، صص: ۵۱-۸۳.
- پژویان، جمشید (۱۳۷۵)، «فقر، خط فقر و کاهش فقر». *برنامه و بودجه*. سال اول، شماره ۲، صص: ۴۶-۵.
- تحیری، رضا (۱۳۷۶)، *آزمون فرضیه رابطه رشد اقتصادی و نابرابری توزیع درآمد کوزنتس در اقتصاد ایران*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی شیراز.
- جمعه پور، محمود (۱۳۸۴)، «نگرش سیستمی به روستا و توسعه روستایی». *فصلنامه روستا و توسعه*. سال هشتم، شماره ۱، صص: ۵۵-۸۰.
- خداداد کاشی، فرهاد (۱۳۷۷)، «اندازه گیری فقر در ایران بر حسب خصوصیات اجتماعی و اقتصادی خانوارها: کاربرد شاخص سن در ایران». *فصلنامه پژوهش های بازرگانی*. شماره ۸، صص: ۶۱-۸۵.
- خرمی، فرهاد (۱۳۷۵)، «بررسی تطبیقی-تحلیلی از نظریه فقرزدایی اسلامی و نظریه های فقرزدایی آنگلوساکسون». *برنامه و بودجه*. سال اول، شماره ۲، صص: ۴۷-۷۱.
- رشیدی، علی (۱۳۷۵)، «فقر و راه های مبارزه با آن». *ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی*. سال یازدهم، شماره سوم و چهارم، صص: ۱۳۲-۱۴۹.

- صمدی، علی حسین (۱۳۸۱)، «شناسایی مهم‌ترین منابع افزایش‌دهنده نابرابری توزیع درآمد در مناطق شهری و روستایی ایران: تجزیه ضریب جینی (۱۳۷۰، ۱۳۷۵)». *برنامه و بودجه*. شماره ۷۴، صص: ۳۳-۵۲.
- فیشلو، آلبرت (۱۳۷۵)، «نابرابری درآمد، فقر و رشد اقتصادی؛ به کجا رسیده‌ایم؟». ترجمه تیمور محمدی. *برنامه و بودجه*. شماره ۷، صص ۱۲۵-۱۴۸.
- لابن، ژان (۱۳۵۹)، *جامعه‌شناسی فقر (جهان سوم و چهارم)*. ترجمه جمشید بهنام، تهران: خوارزمی.
- لیارد، پی. آر. جی. و والترز، ا.ا. (۱۳۷۷)، *تنوری اقتصاد خرد*. ترجمه عباس شاکری، تهران: نشر نی.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۷)، *نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای روستایی، ۱۳۷۶*.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۸)، *سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۷۶*.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۸)، *سالنامه آماری کشور، ۱۳۷۶*.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۸)، *نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای روستایی، ۱۳۷۷*.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۹)، *سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۷۷*.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۹)، *سالنامه آماری کشور، ۱۳۷۷*.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۹)، *نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای روستایی، ۱۳۷۸*.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۰)، *سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۷۸*.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۰)، *سالنامه آماری کشور، ۱۳۷۸*.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۰)، *نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای روستایی، ۱۳۷۹*.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۱)، *سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۷۹*.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۱)، *سالنامه آماری کشور، ۱۳۷۹*.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۱)، *سالنامه آماری کشور، ۱۳۸۰*.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۱)، *نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای روستایی، ۱۳۸۰*.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۲)، *سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۰*.

- مرکز آمار ایران (۱۳۸۲)، *سالنامه آماری کشور*، ۱۳۸۱.
- مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی (۱۳۷۷)، *روستا، فقر، توسعه: مفاهیم، رهیافت‌ها و شاخص‌ها*. تهران: وزارت جهاد کشاورزی.
- نبلی، فرهاد (۱۳۷۵)، «رشد اقتصادی، توزیع درآمد و رفاه اجتماعی در سال‌های ۱۳۷۲-۱۳۶۱».
- برنامه و بودجه*. سال اول، شماره ۱، صص: ۴۷-۱۶۲.
- همایی ایبانه، محمدرضا (۱۳۸۵)، «بررسی وضعیت توزیع درآمد در استان تهران». *برنامه و بودجه*. شماره ۱۲، صص: ۸۳-۱۱۲.
- Atkinson, A. B. (1970), "On the measurement of inequality". *Economic Theory*. vol. 2, pp. 63-244.
- Barrera, F. and Jose, G. (1982), *Economic Aspects of Regional Welfare*. Leaden: Martinus Nijhoff, Social Sciences Division.
- Champernowne, D. G. (1974), "A comparison of measures of inequality of income distribution". *The Economic Journal*. Vol. 84, pp. 787-816.
- Johansen, F. (1993), "Poverty reduction in east Asia, the silent revolution". *World Bank Discussion Papers*. No. 203.
- Kakwani, N. C. (1985), *Income Inequality and Poverty*. Oxford University Press.
- Lambert, P. and Arenson, R. (1993), "Inequality decomposition analysis and the gini coefficient revisited". *Journal of Economic Theory*. 103, 1227-1271.